

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۸ | آذان مغرب ۴۵/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۵ | آذان صبح فردا ۰۶/۴ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۲

امام حسین علیه السلام: وقتی که برادر دینی ات از تو جدا شد، سخنی پشت سر او نگو، مگر اینکه دوست داری او در پشت سر تو آن را بگوید.

سخن روز

[بحران‌انوار، ج ۷۸، ص۱۲۷]

نگاره



نیم‌ا شاه‌میری

خشکسالی از آنچه می‌بینید به شما نزدیک‌تر است



#استقلال

هشتگ

در ادامه مشکلات مدیریتی در باشگاه فوتبال استقلال هواداران این تیم مقابل قوه قضائیه تجمع کردند. آنها به نحوه مدیریت این تیم و آنچه بی‌عدالتی می‌خواندند اعتراض داشتند و خواهان ورود قوه قضائیه به پرونده استقلال و بررسی مسائل مالی آن بودند. در شبکه‌های اجتماعی عکس‌ها و فیلم‌هایی از این تجمع بازنشر می‌شد و در کنار کاربرانی که از تجمع در چنین شرایطی تعجب می‌کردند، استقلالی‌ها از لزوم توجه به خواسته‌های هواداران می‌نوشتند:



«هیچ کس مثل این نسل از هواداران، طعم ظلم و تبعیض علیه استقلال رو تجربه‌ش نکردم»، «درد می‌فرستم به شرفشون که باوجود این همه اذیت و آزار، اینچنین شجاعانه از تبهشون دفاع می‌کنن»، «استقلال تا این هواداران باغیرت رو داره، غمی نداره»، «توی گرمای

۳۵ درجه و تو اوج کرونا بدون اطلاع‌رسانی از طرف رسانه اومدن و فریاد عدالت خواهی می‌زنند. این سال‌ها صدای استقلال رو نشنیدید اما این صدا قطع نشد. ریشه این عشق تو سینه میلیون‌ها نفر میپشه و استواره»، «هوادار که دیوونه نیست بخودی تجمع کنه. کاشکی برای په بارم که شده

جادوی فوتبال

بازی‌های یورو ۲۰۲۰ به اوج هیجان رسیده است. مخصوص با بازی‌های اسپانیا-کرواسی و فرانسه-سوئیس که پرگل بودند و نتایج عجیبی داشتند. این بازی‌ها فوتبالی‌ها را آنقدر هیجان زده کرد که دیروز هم درباره‌اش حرف می‌زدند و از معجزه فوتبال می‌گفتند. حتی رسول صدرعاملی کارگردان سینما در توئیترش نوشت: «خیلی حیف ا‌که فوتبال دوست ندارین. از چه لذتی محرومید».

نظرات کاربران را درباره

روزهای پرهیجان یورو ۲۰۲۰ بخوانید: «ا‌که کسی ازم بپرسه فوتبال چیه که اینجوری عاشقی؟ خلاصه بازی (کرواسی-اسپانیا) و (سوئیس-فرانسه) رو نشون میدم و میگم من این دو بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای رو

توی یک شب دیدم و اون شب از جذاب‌ترین شب‌های فوتبالی بود که تا به حال داشتم»، «دیدیه دشان سرمربی فرانسه پس از شکست از سوئیس: «وقتی در این مرحله حذف می‌شویم، یعنی لیاقت بیشتر از این را نداریم.» مسئولیت‌پذیری یک مربی بزرگ که به‌جای متهم کردن ایر و باد و مه و خورشید و فلک، مسئولیت شکست را به گردن می‌گیرد.» «فرض کن یه شهروند سوئیس باشی که واکسن کرونا رو زدی و در کنار ریاچه زوریخ داری با دوستان دورهمی فوتبال مبینی و

تلفن: ۰۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۰۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۰۸۷۶۹۰۷۵
پيامک: ۰۲۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی : ششانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ | پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir



بخشی از پیام تصویری وزیر فرهنگ و ارشاد به‌دهمین اجلاس مجمع عمومی اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی

سیدعباس صالحی: رسانه‌های بزرگ جهان کار کرد ایجاد همبستگی را فراموش کرده‌اند

رسانه‌های بزرگ جهان در کارکردهای رسانه‌ای خودشان تعادل و عدالت را رعایت نمی‌کنند. رسانه‌ها باید کارکردهایی چون نقش خبری، نظارت بر محیط، آموزشی، انتقال تجارب، سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت را بخوبی اجرا کنند. در حالی که رسانه‌ها غالباً به دو بخش خبری و سرگرمی تمرکز دارند و کارکرد ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح جهانی و ملی را از یاد برده‌اند. همچنین آنها توجه‌اندکی به نقش آموزش دارند. این غفلت‌ها موجب شد این رسانه‌ها سهم اندکی برای تقویت صلح جهانی و منطقه‌ای داشته باشند. از سوی دیگر حضور و مراعات عدالت و آزادی در رسانه‌های بزرگ جهان با نقد جدی مواجه است و این رسانه‌ها توانسته‌اند تصویری مطلوب از عدالت و آزادی را در افق کارکردهای رسانه‌ای خود ایجاد کنند. در عصر رسانه‌ای رعایت این دواصل و نیز چگونگی تعادل و توازن میان آنها در حوزه رسانه، از دغدغه‌های جدی انسان امروز است.

بخشی از پیام تصویری وزیر فرهنگ و ارشاد به‌دهمین اجلاس مجمع عمومی اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی

در انتظار گیشه‌ای گرم برای تابستان

این ریسک را جبران کند. از سوی دیگر طی ۱۰ روز گذشته زمزمه‌هایی امیدوارکننده هم از گیشه به گوش می‌رسد. در این ۱۰ روز تعداد کسانی که به سینما می‌رفتند افزایش پیدا کرده تا حدی که بسیاری از سالن‌های سینما با استقبال دو برابری روبه‌رو شده‌اند که البته هنوز با آمار مطلوب فاصله داریم. طبیعتاً هر چه جریان واکسیناسیون شتاب بیشتری بگیرد، سالن‌های سینما به روزهای پررونق نزدیکتر خواهد شد. اگر اتفاق خاصی رخ ندهد می‌توان امیدوار بود اکران فیلم «دینامیت» به مسعود اطیابی به جذب مخاطب کمک کند و تجربه‌های موفق برای اکران در دوران کرونا و در اکران تابستان رقم بخورد. طبق جلسه روز گذشته شورای صنفی نمایش قرار است فیلم سینمایی «درخت گردو» ساخته محمدحسین مهدویان طی روزهای آینده به چرخه اکران اضافه شود. با برنامه‌ریزی درست اکران و اضافه شدن فیلم‌های پرکشش انتظار این است برای مردم این جذابیت به‌وجود بیاید که با حفظ پروتکل‌های بهداشتی به سینما بروند و فیلم ببینند. اگر شرایط مثل یک ماه گذشته عادی باشد باید امیدوار بود نمایش این فیلم‌ها تماشاگران را جذب سینما کند. با توجه به باز و بسته شدن‌های مداوم سینما طی یک سال و نیم گذشته، سینما در شرایط امروز بیش از هر زمان دیگری به کمک رادیو و تلویزیون و مراکز اطلاع‌رسانی در عرصه اکران نیاز دارد.

حدود ۱۷ ماه از شیوع کرونا در ایران می‌گذرد. در این مدت جامعه از هرگونه تجمع و دورهمی منع شده است. حال با ظهور واکسن کرونا، مردم با اعتماد بیشتر به سوی مراکزی که بیش از این به آنها مراجعه می‌کردند جذب خواهند شد. یکی از این مراکز با توجه به الزام رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، سینماست. در سالن‌های سینما فاصله‌گذاری رعایت می‌شود، نظارت جدی روی استفاده از ماسک وجود دارد و تهویه هوا بخوبی انجام می‌شود. با این حال سینما رفتن انگیزه می‌خواهد و این اکران فیلم‌های خوب است که مخاطب را برای آمدن به سینما ترغیب می‌کند.

باید فیلم‌هایی با پتانسیل جذب مخاطب اکران شود. شورای صنفی نمایش طی یک ماه و نیم گذشته تلاش کرد تا در رایزنی با تهیه‌کنندگان مختلف، رضایت صاحبان فیلم‌های پرکشش و جذاب را برای اکران فیلم‌شان جلب کند. با توجه به این که کف اغلب این فیلم‌ها بیش از ۶ میلیارد بیمه دارد و پیش‌بینی می‌شود در وضعیت عادی هر کدام از این آثار بیش از ۲۵ تا ۳۰ میلیارد فروش داشته باشند، در چنین شرایطی تن دادن به اکران ریسکی بزرگ بود.

معاونت سینمایی با قبول حمایت‌های مالی پذیرفت تا حدی

کشکان کاغذی

بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم شعر قرار است با ما چه کار کند؟ ما قرار است وقتی شعر می‌خوانیم، به کجا برسیم؟ یا اصلاً وقتی آن نخستین آدمی که شعر گفت چه کار درخشانی کرد و ما حالا چقدر خوشبخت هستیم که این همه شاعر کنار خودمان داریم و می‌شود آن‌ها را خواند و خواند و پر از خوشی‌های مدام به مدام شد.

یک وقتی در حیطا دانشگاه بودم

که دیدم مردی با مویی سفید در میان دانشجویها ایستاده و یاد می‌آید و مواهیش در یاد تاب می‌خورد. این صحنه را می‌گذارم در کنار یک تصویر دو کلمه‌ای «قطار سفید». به گمان من بعد از ۲۰ سال آن تصویر از آن استاد درست همین قطار سفید است. آن استاد شمس لنگرودی بود و این تصویر دو کلمه‌ای هم نام کتاب تازه شعر شمس لنگرودی است.

یک وقتی در دهه ۸۰ بود که شمس لنگرودی بعد از یک دوره خاموشی، چندین و چند کتاب شعر منتشر کرد و بعدها هم در دهه نود دیگر تصمیم گرفت کتاب شعر کم‌تری منتشر کند و به بازگویی در سینما و به خوانندگی بپردازد و شعرهای قبلی‌اش هم در دو جلد در کنار هم انتشارات نگاه منتشر شد و ما ماندیم بی‌کتاب تازه. اما این قطار سفید مجموعه چهار کتاب شعر شمس لنگرودی است. «منظومه بازگشت»، «کتاب کویر»، «کتاب موسیقی» و «قطار سفید». سه کتاب اول را پیش‌تر خوانده بودم و می‌ماند همین کتاب آخر که شامل ۱۳۴ شعر است با همان جهانی که از شمس می‌شناسیم. همان قطار سفیدی که شما را سوار بر شعرش می‌کند و در دود و خیال‌انگیزی شاعرانه‌اش شما را به سفر می‌برد. وقتی به شعر شمس وارد می‌شویم چندین و چند کلیدواژه داریم که تکرار می‌شوند. واژه‌هایی که انگار مدام به مدام در زندگی او حضور دارند. این‌ها کلماتی هستند که

معانی و شاعرانگی‌های متعددی دارند که شمس را از آن‌ها گریزی نبوده است. یکی از این واژه‌ها «سریاز» است. در میان این شعرهایی که از این کتاب می‌خوانم همین کلمه مرا به سمت خودش کشید و در میان انبوه شعرها به سراغ این شعر رفتم. آنجایی که می‌گوید: «سریازان مرده/ نه به عابران شلیک می‌کنند/ نه کسی را می‌ترسانند/ نه به زیباترین ترانه‌ها گوش می‌دهند/ تنگ‌شان/ مثل کودک مجروحی مجاورشان خواب رفته است/ باد، بر زانو نشسته، موی کوتاه جوان‌شان را لمس می‌کند/ و به یاد می‌آورد/ چگونه به بازی می‌گرفت، گیسوان بلندش را/ وقتی غرق می‌شدند/ در فرداهای درخشان.»

در این نوشته البته قصد ندارم درباره ویژگی‌های شعری شمس لنگرودی حرف بزنم. تنها و تنها دلایلم برای این نوشته‌ها این بود که این شعر را با شما به اشتراک بگذارم. درست همان‌جای شعر که از باد حرف می‌زنند و آن‌طور از این سریازان مرده عبور می‌کند و چه تصویر درناک و خیال‌انگیزی را شکل می‌دهد. یا در شعری دیگر که دوباره پای سریاز را به میان می‌کشد و می‌گوید سریازی بوده تشنه و گرسنه پشت سنگر کاغذینی خون آلود.

همین تصویر را داشته باشید وقتی فرمانده در این شعر فرمان به کشتن می‌دهد و این سریاز است که با مدارنگی‌ها به آدم‌های حقیقی شلیک می‌کند. در میان کشتگان هم صدای مجروحی می‌شنود و بعد هم ادامه شعر است که خیال مطلق است از یک شاعرانگی و یک خورشونت جاری در جنگ. ای کاش جنگ‌ها شاعرانی هم داشت که تنها و تنها کشتگان کاغذی داشتیم و نه جان‌های در خون نشسته.

چالشی پیر امون تنهایی

«تنهایی این بود» رمان دیگری از نویسنده و روزنامه‌نگار اسپانیایی «خوان خوسه میاس» است که از اسپانیایی به فارسی ترجمه‌شده است. درون‌مایه رمان «تنهایی» است، مسأله‌ای که بشر امروزی با زندگی مدرن بیشتر از قبل احساسش می‌کند. براستی «تنهایی» چیست؟ آیا به قول برخی اندیشمندان، بشر در این دنیا غریب است و تنها؟ نکتهٔ ظریف و درعین‌حال غیرقابل توضیحی که میاس به‌خوبی از آن‌ها بهره‌اش آن برمی‌آید. چرا احساس تنهایی در گوشه قلب ما است اما هراس مواجه‌شدن با آن را داریم؟ میاس، ما را

با «تنهایی» روبه‌رو می‌کند و دوست دارد راهکاری برای خروج از این سایه تنهایی به ما دهد. «در آثار او هر اتفاق ساده روزمره‌ای پتانسیل این را دارد که تغییر شگرفی در مسیر زندگی ما ایجاد کند و اگر با نگاه متفاوتی به آن بنگریم مسیرمان هم متفاوت خواهد بود. شاید همین به چالش کشیدن مسأله تنهایی در آثار این نویسنده است که تاکنون آثارش به بیست و سه زبان ترجمه‌شده و این نشان می‌دهد همه ما، همه ما

آدم‌ها، نیاز داریم به این مفهوم نگاه دوباره‌ای ببندازیم.» شخصیت اصلی داستان زنی است به اسم «النا». و داستان از زمان مرگ مادرش آغاز می‌شود، النا در اتاق مادرش چند دفترچه کوچک

از یادداشت‌های او پیدا می‌کند که با مطالعه آن، قسمت‌هایی از زندگی خود را درمی‌یابد. در یکی از دفترچه‌ها مادرش می‌گوید: «سخت‌ترین و زایمان را سر النا داشتم که از همه بچه‌هایم هم بیشتر از او بدم می‌آید. شوهرم می‌گوید چون شخصیت ما دو تا شبیه هم است آنقدر با هم بحث‌وجدل می‌کنیم.» در بخش اول رمان، مدام النا زندگی خود را با مادرش مقایسه می‌کند. در قسمتی دیگر، النا کارآگاه خصوصی استخدام می‌کند تا گزارش‌ی از

زندگی همسر خود داشته باشد، نکته جالب این استخدام این است که النا در ادامه می‌خواهد کارآگاه خصوصی خودش را زیرنظر بگیرد و هر روز گزارش خود را در صندوق پست شخص‌اش قرار دهد این گزارش‌ها کنجکاوی‌هایی برای او به وجود می‌آورد.

- تنهایی این بود**
- نویسنده: خوان خوسه میاس(۱۹۴۶ و النسیا)**
- ترجمه: نسترن میرهادی**
- انتشارات: نشر گویا**

عکس نوشت

به دنبال بازدید جمعی از اهالی رسانه از محله‌های منطقه ۲۱ شهرداری، تصاویر زیبایی ثبت‌شده که گویای تلاش برای دمیدن روح تازه‌ای به کالبد پایتخت است.کوچه‌های رنگارنگی که شبیه آنها نه فقط در محله‌هایی از تهران، بلکه در شهرهایی از فرانسه، برزیل و مراکش هم برقرارند و مقصدی جذاب برای توریست‌ها و علاقه‌مندان هستند. این دیوارهای زیبا اغلب در نتیجه ذوق ساکنان برخی محله‌ها یا مسئولان شهری‌اند./خبرگزاری موج



کلوب کودکان، کاکه سوور خلیل جلیل زاده، نیماژ

آدم وقتی نمی‌داند از کجا آمده و به کجا می‌رود به این معنا نیست که گم شده بلکه در حقیقت به جست‌وجوی چیزهای تازه‌ای برآمده است.

درس ها و دغدغه هایی برای نمایشگاه مجازی کتاب

امسال هم خبری از برپایی نمایشگاه کتاب تهران به شکل فیزیکی‌اش نیست، نه فقط در ایران، در سایر نقاط جهان همچنان با محدودیت‌های بسیاری برای کنترل بیماری کرونا مواجه هستیم. با این‌حال همچون سال گذشته مسئولان در تدارک برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب هستند تا از این طریق بخشی از نقدینگی بازار شرمنان جبران شود و از سویی ارتباط مخاطبان با کتاب و اهالی‌اش برقرار بماند، اتفاق مهمی که امسال دومین دوره برپایی‌اش را درپیش داریم.

سال قبل تا بهمن‌ماه خبری از برگزاری نمایشگاه فیزیکی و مجازی نبود و این مسأله لطمه مالی زیادی متوجه ناشرانی کرد که بخش عمده نقدینگی آنان مبتنی بر فروش کتاب در نمایشگاه کتاب است. بااینکه همان سال گذشته، از بدو انتشار خبرهایی درباره برپایی نمایشگاه مجازی، عده‌ای آن را تنها در حکم مُسکن می‌خواندند اما نمی‌توان منکر شد که همان نمایشگاه مجازی ۱۰ روزه کمک قابل توجهی به گردش مالی صنعت نشرمان بود؛ از آنجایی که با توجه به شرایط، امسال هم نمایشگاه به همین طریق برگزار خواهد شد امیدوارم دست اندرکاران فرهنگی با در نظر گرفتن تجربه سال قبل، برنامه‌ریزی کنند و شاهد برپایی نمایشگاهی شتاب‌زده نباشیم. براساس تجربه‌ای که من و دیگر همکارانم از حضور در دوره نخست نمایشگاه مجازی کتاب تهران داشتیم در رأس مواردی که به برگزاری بهتر آن کمک می‌کند می‌توان به نحوه ارسال آثار اشاره کرد.

سال گذشته در ارسال پستی کتاب‌ها با مشکلاتی روبه‌رو شدیم، بویژه در روزهای نخست که امکان پیگیری کتاب‌ها ممکن نبود و در مواردی ناشران حتی ناچار به ارسال مجدد برخی مرسوله‌ها شدند. از آنجایی که زیرساخت‌های مخابراتی ما اجازه حجم بالای از ترافیک را نمی‌دهد بهتر است از همین حالا چاره‌ای برای نمایشگاه پیش رو اندیشید.

شاید بهتر باشد ارسال کتاب‌ها طی زمان برگزاری آن انجام نشود تا بار ترافیکی کم‌تری به سامانه نمایشگاه تحمیل شود، به‌عنوان نمونه می‌توان طی ۱۰ روز نمایشگاه، مردم کتاب خریداری کنند و طی ۱۰ روز بعد از اتمام آن هم ناشران فرصت بسته‌بندی و ارسال کتاب‌ها را داشته باشند.

اینجا بحث مخاطبانی است که درصدد تهیه کالایی فرهنگی هستند و حتم داریم که شرایط را درک کرده و همراهی می‌کنند، اما نکته دیگر به عملکرد اداره پست بازمی‌گردد. به اتکای تجربه سال قبل بهتر است در برخی مناطق همچون خیابان انقلاب که بیشترین میزان ارسال مرسوله‌ها را خواهد داشت باجه‌های پستی بیشتری اختصاص داده شود. سال قبل برای خیابانی مملو از انتشاراتی، تنها ۲ باجه پستی فعال بود. اینکه طی ایام نمایشگاه باجه موقت دایر شود هم از فشار کاری مأموران و کارمندان اداره پست کم می‌شود و هم ناشران بهتر قادر به ارسال آثار خواهند بود.

اما نکته مهم دیگر اینکه سال قبل در خبرها بحث امکان ارسال کتاب‌ها بود؛ بله این ارسال رایگان انجام شد اما فقط برای مخاطبان. ناشران برای ارسال مرسوله‌ها هزینه پرداخت کردند و این چیزی است که مردم نمی‌دانستند، شاید اگر بدانند که در مواقعی این چنینی ناشران ناچار به پرداخت هزینه‌های پستی هستند انتظار کم‌تری در تخفیف‌ها داشته باشند.

امیدوارم امسال شرایطی فراهم شود که ناشران فقط پول پاکت‌های پستی را پرداخت کنند و اداره پست در همکاری با معاونت فرهنگی حداقل هزینه ارسال را حذف کند یا با تخفیف دریافت کنند.

از سوی دیگر زمان برگزاری نمایشگاه را یکی- دو ماه قبل اعلام کنند که در صورت نیاز فرصت برای انتشار آثارمان داشته باشیم و مردم هم، زمان کافی برای اطلاع از آن داشته باشند.

